



علیرضا ابراهیمی
دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
همکار مرکز مطالعات آمریکا

تأملی هستی‌شناسانه بر مبانی رابطه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و با تأیید و تأکید امام خمینی (ره) به عنوان رهبر کبیر انقلاب اسلامی، «جمهوری اسلامی» به عنوان شکل نظام سیاسی پس از انقلاب مشخص شد. سنگ بنای یک نظام معرفتی جدید گذاشته شد، در واقع، هستی جدید در عالم سیاست شکل گرفت و یک نظام هستی‌شناختی خاصی را برای جمهوری اسلامی ایران رقم زد. با توجه به اینکه انقلاب ایران، اولین انقلاب مدرن با محتوای کاملاً مذهبی است، می‌توان مهمترین علت آغاز و تداوم منازعه میان ایران و آمریکا را الزامات ایدئولوژی اسلامی (تشیع) به عنوان عنصر کانونی هویت نظام جمهوری اسلامی دانست. تا آنجا که استدلال می‌شود، جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، بیشتر نگران حفظ هویت خود به عنوان یک دولت اسلامی است

چکیده

در این نوشتار، درصدد هستیم تا از حیث هستی‌شناسانه رابطه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا را مورد بررسی قرار دهیم؛ موضوعی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت ضد هژمونیک آن، به عرصه‌ای تقابل جویانه در روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا تعین پیدا کرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اولاً، مهمترین علت آغاز و تداوم منازعه میان ایران و آمریکا را باید الزامات ایدئولوژی اسلامی به عنوان عنصر کانونی هویت نظام جمهوری اسلامی دانست. ثانیاً تا زمانی که آمریکا بدون مدنظر قرار دادن مبانی هستی‌شناسانه جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌ها و اقدامات خصمانه خود را دنبال نماید، روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشور، در راستای مسالمت‌آمیز قرار نمی‌گیرد. به این دلیل که جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است که در راستای قوام هویت خود، در رابطه با سایر کشورها گام بردارد.

و تأمین امنیت هستی شناختی به معنای حفظ و تداوم هویت اسلامی را اولویت و ارجحیت می‌بخشد. بدین سان، نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی ایران - که بیش از چهار دهه از عمر آن می‌گذرد بیانگر آن است که سطح روابط میان ایران و آمریکا به واسطه ماهیت حاکم برایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران، از دشمنی شدید تا انزجار دیپلماتیک، در نوسان بوده است. در این نوشتار، ابتدا به بررسی مبانی هستی شناختی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم و سپس، تأثیر آن را در رابطه با آمریکا، نشان خواهیم داد.

۱- هویت جمهوری اسلامی ایران

هویت جمهوری اسلامی ایران، یک موضوع شناختی مبتنی بر فهم مشترک از خود و کشورهای دیگر است که بیانگر احساس تداوم، استقلال درونی و تمایز و تفاوت بیرونی است. این فهم مشترک همواره حول یک مفهوم و ارزش کانونی، تعیین و تشکل می‌یابد؛

هویتی که برخاسته از انقلاب اسلامی است و می‌توان آن را در چارچوب یک مربع هویتی، تعریف و تعیین کرد. در واقع، اضلاع چهارگانه اسلامی، ایرانی، انقلابی و غیرمتعهد بودن، مربع هویتی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد که بی‌تردید، اسلامی بودن در رأس این مربع قرار دارد. حتی می‌توان ادعا کرد که صفات ایرانی، انقلابی و غیرمتعهد بودن در ذیل صفت اسلامی بودن، جای می‌گیرند و می‌توان هویت جمهوری اسلامی ایران را در «اسلامی بودن» خلاصه نمود؛ موضوعی که سبب شد تا جمهوری اسلامی ایران، برخی از شاخصه‌ها را در راستای تعمیق هرچه بیشتر مبانی هویتی خود دنبال کند که در ذیل، به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

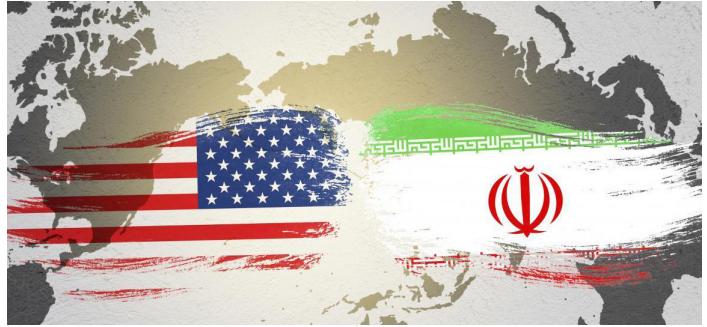
۱-۱- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

از مهم‌ترین هنجارهای هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران - که کاملاً منبعث از آموزه‌ها

و انگاره‌های اسلامی است - ناوابستگی به سلطه‌گران و بیگانگان است؛ در راستای همین استقلال‌طلبی و عدم وابستگی به بیگانه است که امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در موضعی صریح می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی ایران، می‌خواهد مستقل باشد...؛ زیرا وابستگی به هر شکل سیاسی و اقتصادی آن، جلوه‌ای از عدم استقلال است». بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی‌اش را با توجه به اصل نفی سبیل تنظیم کرده است که طبق این اصل، دین اسلام اجازه نمی‌دهد، دولت کافری بردولت مسلمانی سلطه خود را اعمال کند و مسلمانان، نباید تحت سلطه کفار باشند.

۱-۲- عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری

طبق اصول اولیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام سیاسی ایران بر پایه ایمان به عدالت خداوند، تکلیف شرعی و تلاش برای گسترش عدالت در



اسلامی ایران را می توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱) حمایت از مسلمانان و مستضعفان از طریق مشارکت فعال در سازمان های اسلامی و جهانی و پشتیبانی از نهضت های آزادی بخش؛

۲) استکبارستیزی از طریق مقابله یا مقاومت در برابر قدرت های سلطه گرو در رأس آن ها آمریکا؛ ۳) مبارزه با صهیونیسم و به رسمیت نشناختن اسرائیل از طریق حمایت از نیروهای مقاومت اسلامی در فلسطین و لبنان؛

۴) تجدیدنظرطلبی به معنای تلاش برای تغییر یا اصلاح نظم مستقر بین المللی از طریق توسعه روابط و همکاری با کشورهای انقلابی و تجدیدنظرطلب به صورت دو و چند جانبه، مانند کشورهای آمریکای لاتین.

۳- امنیت طلبی هستی شناسانه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با آمریکا

ماهیت انقلابی و ضد هژمونیک جمهوری اسلامی ایران، موجب

جمهوری اسلامی از این عادت و رویه ها، حتی آن هایی که دارای هزینه های مادی و کاهش دهنده امنیت فیزیکی هستند، اضطراب آفرین و موجب ناامنی هستی شناختی خواهند بود. در عین حال، ناامنی هستی شناختی، جمهوری اسلامی ایران را برمی انگیزد تا بعضی از رفتارهایی را که نشان دهنده هویت اسلامی انقلابی آن است، در سیاست خارجی برجسته کرده و به نمایش بگذارد. تا آنجا که در بعضی از حوزه های موضوعی، پافشاری بر هویت اسلامی نظام، باعث می شود تا روابط منازعه آمیز با دیگران تداوم یابند. از جمله مهم ترین الگوهای رفتاری و رویه های عادت واره جمهوری

جامعه بشری، سازمان یافته است. عدالت خواهی به مثابه هنجار نیرومند برخاسته از ارزش های اسلامی، سیاست امنیتی جمهوری اسلامی را به شدت متأثر کرده است. هنجار نیرومند عدالت خواهی، مانع همکاری جمهوری اسلامی ایران در بازتولید ساختارهای کلان نظام ناعادلانه بین المللی می شود.

۲- رویه های عادت واره هستی شناسانه جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش می کند تا عادات و رویه های عادی شده خود را در روابط خارجی، به عنوان اهداف سیاست خارجی پیگیری نماید. هرگونه گسست و وقفه در این رویه ها و عادت ها، تهدیدکننده تلقی می شود. از این رو، جدایی

تحولات و تهدیدات فراوانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی شده است؛ به‌ویژه در سطح جهانی نیز هویت اسلامی و انقلابی ایران، موجب شد تا نظام بین‌الملل محافظه‌کار و قدرت‌های بزرگ طرفدار وضع موجود، هویت جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، به رسمیت نشناسند. موضوعی که سبب شد تا جمهوری اسلامی ایران، حتی به قیمت روابط مناقشه‌آمیز و تهدیدات امنیتی فیزیکی، به تصدیق و دفاع از هویت خود برخیزد. این انگیزه، در روابط و مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آمریکا، به‌ویژه در برنامه هسته‌ای ایران و توافقنامه هسته‌ای که از آن با عنوان برجام یاد می‌شود، مشهود است که در ذیل، به بررسی آن می‌پردازیم.

۱-۳- برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به مبانی هستی‌شناسانه آن

برای این کشور در عرصه نظام بین‌الملل، منافع بسیار متعدد و گوناگونی در سطوح مختلف ملی و فراملی به وجود می‌آورد که اهمیت و اولویت هر یک از آن‌ها را قدرت‌هنجارهای شکل‌دهنده به آن و همچنین، شرایط داخلی و محیطی تعیین می‌کنند. طبق این دیدگاه، دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه هسته‌ای مطابق با ارزش‌ها و قواعد قوام‌دهنده به هویتش، منافع خاصی را برای خود تعریف می‌کند که مهم‌ترین آن، رسیدن به خودکفایی و توانایی هسته‌ای و... است. تا آنجا که این کشور رفتار خود را در این زمینه براساس منطق زیبندگی یا تناسب و نه منطق مبتنی بر نتیجه شکل می‌دهد. باوجوداین، سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران (در راستای صلح خاورمیانه) تا آنجا که اسرائیل را در این زمینه کنار می‌گذارد، بیانگر نوعی آپارتاید هسته‌ای است که نه تنها مؤثر بلکه اخلاقی هم نیست. براین اساس، می‌توان استدلال

کرد که ایران، سردمدار اشاره به این مفهوم است که در ارتباط با عناصر اصلی امنیت بین‌المللی از «معیار دوگانه» تبعیض‌آمیز استفاده می‌شود. برجسته‌ترین دیدگاه ایران به این حقیقت برمی‌گردد که در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا، دولت‌های هسته‌ای (هند، پاکستان و اسرائیل) وجود دارند که خارج از ان.پی.تی هستند و در نتیجه، به دور از تمام تحمیلاتی که پیمان بر اعضای خود تحمیل می‌کند، هستند و آمریکا نیز به واسطه منافع استراتژیک خود، به حمایت از آن‌ها در مجامع جهانی اقدام می‌کند. از طرف دیگر، انرژی یا برنامه هسته‌ای ایران، قابلیت‌ها و توانایی‌هایی را برای دولت از قبیل پیشرفت در کشاورزی، پزشکی و غیره به وجود می‌آورد که مردم ایران، این انرژی را زمانی که خود را در برابر انسان‌های هم‌نوع خود در دیگر کشورها - که حکومت‌هایشان همسو با ابرقدرت‌هاست و به راحتی



می‌توانند از این فناوری استفاده کنند- حق مسلم خود می‌دانند. تصور ایرانیان مبنی بر قربانی شدن نسبت به رفتار دوگانه در ارتباط با برنامه هسته‌ای، محصول بدرفتاری طولانی مدت قدرت‌های غربی است. از این منظر، نخبگان ایرانی تصور می‌کنند که بحران هسته‌ای مدنظر غرب و در رأس آن آمریکا، صرفاً آخرین تلاش غرب برای سلب احترام به ایران است. از این رو، ایستادگی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن این واقعیات در قبال حق مشروع در استفاده صلح‌آمیز از برنامه هسته‌ای، قابل توجیه است.

۲-۳- توافقی‌نامه هسته‌ای (برجام) دستیابی به توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی، عمیقاً بر بازار ایده‌ها تأثیرگذار بوده و به

ضرر برخی ایده‌های ضد ایرانی، تمام شده است. این شکست، خشم و نگرانی جناح‌های تندرو را به همراه داشته و زمینه همکاری‌های وسیع تر اسرائیل و عربستان را فراهم کرده است؛ به طوری که شکست فضای ایران هراسی و امید به آینده اقتصادی ایران، می‌توانست از مهم‌ترین دستاوردهای توافق هسته‌ای برای جمهوری اسلامی ایران باشد که به دلیل رویکرد خصمانه ترامپ و نقش اکثریت جمهوری خواه کنگره، به ناامیدی تبدیل شده است. در واقع، ترامپ معتقد بود، معاملاتی که فقط به رفع تحریم‌های اقتصادی منجر شود، منافع ایران را تأمین می‌کند و هر توافقی باید تنها امنیت ایالات متحده آمریکا را تأمین نماید. سهل‌الوصول‌ترین راه برای

دنبال کردن سیاست تغییر رژیم از سوی آمریکا در قبال ایران، کنار گذاشتن برجام بوده است. خروج آمریکا از برجام و اعمال دوباره تحریم‌ها، توانست به رویارویی و دشمنی دو طرف کمک کند. در پیش گرفتن چنین رویکردی به بی‌اعتمادی فزاینده مردم و رهبران ایران نسبت به آمریکا، دامن زده است. ترامپ بارها از توافق هسته‌ای با ایران، به عنوان «یکی از بدترین معاملات» تاریخ آمریکا اشاره داشت. با وجود این، برجام، با توجه به هنجارها و حس هویت جمعی که تجسم یافته بود، حتی پس از خروج آمریکا نیز ناپدید نشد. در واقع، خروج آمریکا نه تنها جامعه ارزشی غرب را خاتمه نداده است، بلکه آن ارتباط را گسترش داده بود. این موضوع مبین این

Comprehensive Plan of Action, Contemporary Issues in International Political Economy.

M o s h i r z a d e h ,
homeira(2007),Discursive
Foundations of Iran's
Nuclear Policy,Security
Dialogue, Vol. 38, No. 4,
pp 521-543.

رسولی ثانی آبادی، الهام
(۱۳۹۰)، هویت و سیاست
هسته‌ای در جمهوری اسلامی
ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی
مطالعات و تحقیقات
بین‌الملل ابرار معاصر.

دهقانی فیروزآبادی، سید
جلال‌الدین (۱۳۸۸)، امنیت
هستی‌شناختی در سیاست
خارجی جمهوری اسلامی
ایران، رابط خارجی، شماره ۱.

صحیفه نور (۱۳۶۹)، مجموعه
رهنمودهای امام خمینی، جلد
۱۶، تهران: انتشارات سروش.

دو کشور در خصوص مسائل
بین‌المللی در تعارض با یکدیگر
قرار گرفت. تا آنجا که می‌توان
استدلال کرد، دشمنی ایران و
آمریکا به دلیل تعارضات مبانی
هستی‌شناسانه، برای طرفین
به امری عادی تبدیل شده که
نمود خود را در برنامه هسته‌ای
صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران
و توافقنامه هسته‌ای (برجام)،
نشان داده است. از این رو، افق دید
جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای
است که تحت تأثیر فرهنگ
اسلامی شیعه و همچنین، تجربه
تاریخی که موجب شکل‌گیری
عنصر استکبارستیزی شده،
غرب و آمریکا را به‌عنوان مهم‌ترین
دشمنان، تعریف نموده است.

منابع

Pieper, Moritz (2019),
An Iran Nuclear Deal
Without the United States?
Chinese, European,
and Russian Interests
and Options After the US
Withdrawal from the Joint

واقعیت است که تقویت گنجینه
آگاهی مشترک از طریق تعامل
و ارتباط مؤثر ایران و کشورهای
اروپایی در نظام بین‌الملل،
بدون حضور آمریکا، زمینه‌ساز
اعتماد متقابل و درک مشترک
شده است. حضور ایران در
مذاکرات هسته‌ای و گفت‌وگوهای
دو و چندجانبه، نشان می‌دهد که
ایران با هویتی مستقل و برگرفته
از هنجارها و ارزش‌های داخلی
(از جمله صیانت از منافع ملی
با بهره‌گیری از عزت و حکمت
در سیاست خارجی)، رفتاری
متناسب (نه مناسب) با نظام
بین‌الملل را داشته است. حضور
در مذاکرات و حل مسائل از طریق
گفت‌وگو، بخشی از ارزش‌های
اساسی ایران اسلامی است که
قدرت‌های مقابل، آن را به‌وضوح
درک کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

روابط ایران و ایالات متحده بعد
از وقوع انقلاب اسلامی، دچار
تنش‌ها و واگرایی‌هایی شد؛
به‌گونه‌ای که دیدگاه هر یک از